

**Identification the status of citizenship education curriculum in the Iranian Education System with the Approach of Fairclough Critical Discourse Analysis**Sajad Babakhani¹, Akbar Salehi²¹ Ph.D. Graduated in philosophy of education, University of Kharazmi, Tehran. Iran.²Associate Prof., Department of Philosophy of Education, Faculty of Education and Psychology, Kharazmi University**Abstract**

The present study was conducted within the framework of critical discourse analysis with the aim of identifying the place of the citizenship education curriculum in the Iranian education system in five discourses of “sacred defense, construction, reforms, justice-centeredness, and moderation” after the Islamic Revolution. In this study, the data collection method was documentary and library research. The sampling method was purposive sampling, and the historical period studied was from 1360 to 1400 in five main discourses after the Islamic Revolution. To answer the research questions, texts and documents related to the category of citizenship education in the time periods of the five discourses were analyzed using Norman Fairclough’s method at three levels of “text description,” “analysis of production and interpretation processes,” and “explanation of social context.” The research findings indicate that serious and contemporary signs of citizenship education components are not found in the curriculum of the education system of the discourses of sacred defense and construction. However, in the curriculum of the three education systems of recent reformist, justice-oriented, and moderate discourses, attention to citizenship education has grown significantly, although in each discourse, some elements and components of it have been neglected. The education system has been unable to present a balanced and comprehensive picture of citizenship education during various discourses and has not been able to shape citizenship behaviors in students in a desirable way. Therefore, providing the necessary conditions for paying more attention to the various dimensions of citizenship education in the curriculum of the education system seems necessary.

Keywords: curriculum, critical discourse analysis, citizenship education, post-revolutionary discourses, Iranian education system

شناسایی جایگاه برنامه درسی تربیت شهروندی در نظام آموزش و پرورش ایران با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلافسجاد باباخانی^{1*}، اکبر صالحی²¹دانش آموخته دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه خوارزمی،

تهران، ایران.

²دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.**چکیده**

پژوهش حاضر در چهارچوب تحلیل گفتمان انتقادی با هدف شناسایی جایگاه برنامه‌درسی تربیت شهروندی در نظام آموزش و پرورش ایران در پنج گفتمان «دفاع مقدس، سازندگی، اصلاحات، عدالت محوری و اعتدال» بعد از انقلاب اسلامی انجام گرفته است. در این پژوهش شیوه گردآوری داده‌ها سندکاوی و کتابخانه‌ای بوده است. و شیوه نمونه‌گیری، نمونه‌گیری هدفمند می‌باشد، و مقطع تاریخی مورد مطالعه از سال 1360 تا 1400 در پنج گفتمان اصلی بعد از انقلاب اسلامی می‌باشد. برای پاسخ به پرسش‌های تحقیق، متون و اسناد مرتبط با مقوله تربیت شهروندی در دوره‌های زمانی پنج گفتمان با روش نورمن فرکلاف، در سه سطح «توصیف متن»، «تحلیل روندهای تولید و تفسیر» و «تبیین بافت اجتماعی» مورد تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش بیانگر این است که در برنامه درسی نظام آموزش و پرورش گفتمان‌های دفاع مقدس و سازندگی، نشانه‌های جدی و امروزی از مؤلفه‌های تربیت شهروندی چندان یافت نمی‌شود. اما در برنامه درسی سه نظام آموزش و پرورش گفتمان‌های اخیر اصلاح‌طلبی، عدالت‌محوری و اعتدال توجه به تربیت شهروندی رشد چشمگیری داشته، که البته در هر گفتمان عناصر و مؤلفه‌هایی از آن مورد غفلت واقع شده است. نظام آموزش و پرورش در طی گفتمان‌های مختلف از ارثه تصویری متوازن و همه جانبه از تربیت شهروندی ناتوان بوده و قادر نبوده رفتارهای شهروندی را به طور مطلوب در دانش آموزان شکل دهد. بنابراین فراهم نمودن بسترهای لازم برای توجه هرچه بیشتر به ابعاد مختلف تربیت شهروندی در برنامه درسی نظام آموزش و پرورش ضروری به نظر می‌رسد.

واژه‌های کلیدی: برنامه‌درسی، تحلیل گفتمان انتقادی، تربیت شهروندی، گفتمان‌های بعد از انقلاب، نظام آموزش و پرورش ایران

مقدمه

سیاسی بیشتری در زندگی خود داشته باشند (Euridyce, 2005: 7). اما روش‌های متعدد آموزش و یادگیری آن با توجه به سطح آموزش و اهداف کلان و خرد برنامه درسی برای انتقال متفاوت است (Li & Jong, 2017: 1086). به گونه‌ای که در سال‌های اخیر، مدارس در سراسر جهان شروع به اتخاذ برنامه‌های درسی کرده‌اند که تلاش می‌کنند دانش آموزان را به شهروندان "جهانی" تبدیل کنند. با این وجود آموزش شهروندی جهانی به دلیل اشاعه ارزش‌های غربی مورد انتقاد قرار گرفته است (Kong, 2020: 139).

در ایران نیز نظر به تغییر و تحولات جامعه ایرانی با عنایت به عزم ملی برای توسعه و دستیابی به فضای اجتماعی باز و مدنی، اهمیت تربیت شهروندی و گنجاندن آن در برنامه‌های درسی مدارس از اولویت زیادی برخوردار گردیده است (Fathi Vajargah, 2002: 201). منظور از برنامه درسی در این مطالعه، برنامه درسی تجویز شده یا قصد شده می‌باشد، که در اسناد رسمی منعکس می‌شود و معمولاً در برگیرنده مولفه‌هایی چون محتوا، روش‌های تدریس و زمان مختص برای رسیدن به هدف آموزش محتوای تعیین شده می‌باشد. جهت گیری فلسفی و تربیتی برنامه‌ها نیز به جهت گیری‌های دولت بستگی دارد و در بسیاری از کشورها برنامه درسی تجویز شده در قالب کتب و مواد آموزشی مشخص شده توسط آموزش و پرورش متجلی می‌شود (Fathi Vajargah, 2017).

برنامه درسی نظام آموزشی هر کشوری متأثر از گفتمان‌های غالب بر فضای جامعه است و بالتبع تربیت شهروندی که از مقوله‌های با اهمیت برنامه درسی نظام آموزشی می‌باشد نیز باید در راستای اهداف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و هویت دینی و ملی گفتمان غالب باشد. با مراجعه به تاریخ چهار ده اخیر ایران، می‌توان از وجود چند گفتمان محوری و متفاوت نام برد که در رقابت با همدیگر و دیگر گفتمان‌های رقیب، از حاشیه به مرکز و متن زمینه گفتمانی آمدند و بر اندیشه و عمل دولت‌ها و بالاخص نظام‌های آموزش و پرورش تأثیرات فراوانی گذاشته‌اند. در مجموع پنج گفتمان غالب در فضای

شهروندی یک فرایند مربوط به تمام عمر است و به همین دلیل، همه‌ی افراد در تمام طول زندگی خود نیازمند آموزش‌های شهروندی در مراحل گوناگون زندگی هستند (Behroosh, 2009: 2). سابقه پرداختن به تربیت شهروندی به زمان حکمای بزرگ یونان چون سقراط، افلاطون و ارسطو باز می‌گردد، با این وجود در پرتو تحولات و دگرگونی‌های عمیق اجتماعی و ارتباطی، که نقش بسزایی در افزایش آگاهی‌های مردم داشته است، ضرورت پرداختن به این موضوع در جوامع کنونی احساس می‌شود (Ghasempour khoshroudi & Heydarh, 2016: 276).

اصولاً بدون داشتن تصویر و توصیف روشنی از فرایند تربیت شهروندی در یک جامعه نمی‌توان به تدوین اهداف، اصول، روش‌ها و مراحل تربیت ناظر بر وضع مهیاسازی افراد به عنوان شهروندان مورد پسند جامعه پرداخت (Aghazadeh, 2006: 45). تربیت شهروندی از زمینه‌هایی است که در چند دهه اخیر از جایگاه ویژه‌ای در برنامه درسی نظام‌های آموزشی برخوردار شده و دامنه مباحث و پژوهش‌های آن به طور فزاینده‌ای گسترش یافته است (Heydari et al., 2013: 24)، بطوری که تعداد زیادی از پژوهشگران مانند (Hahn, 2015) و Yemini (2014) معتقدند که باید مقوله‌های شهروندی، آموزش شهروندی و تربیت شهروندی به عنوان یکی از مهم‌ترین مفاهیم چهارچوب‌های رسمی نظام آموزشی محسوب گردد. زیرا می‌توان گفت: آموزش و تربیت شهروندی امکان مشارکت دادن دانش آموزان را در تجارب یادگیری معنادار و روش‌های تدریس فعال مانند: بحث‌های کلاسی، نقش بازی کردن، مناظره، شوراهای دانش‌آموزی و یادگیری خدمت محور فراهم می‌کند، این فعالیت‌ها موجب می‌شود دانش آموزان در آینده به سمت افرادی مسئولیت پذیر از لحاظ سیاسی و اجتماعی، حرکت کنند (Homana et al, 2006: 14).

کشورهای زیادی تربیت و آموزش شهروندی را، به عنوان قسمت اجباری برنامه‌های درسی در نظر گرفته‌اند تا از این طریق، شهروندان مشارکت‌های اجتماعی و

ارتباط بیشتری با موضوع پژوهش حاضر دارند مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم:

Mojall Choobqlu (2008) در پژوهشی تحت عنوان «تحلیل برنامه‌ی درسی اجرا شده‌ی مقطع ابتدایی نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران از بعد تربیت شهروندی» که به روش زمینه‌ای انجام شده، به این نتایج دست یافته: مقوله‌های تربیت شهروندی به گونه‌ای متعادل و متوازن در محتوای کتاب‌های درسی توزیع نشده در حالی که لازم است به همه آنها به صورت مساوی توجه شود. فعالیت‌های یاددهی یادگیری انجام گرفته توسط معلمان در ارتقاء رفتارهای شهروندی از حد متوسط کمتر بوده و طراحی و اجرای برنامه‌های مکمل برنامه درسی تربیت شهروندی در مدارس ابتدایی در حد قابل قبولی نمی‌باشد.

Ashpaz et. al. (2020) در پژوهشی با عنوان «بررسی تحلیلی میزان توجه به ابعاد زیباشناسی تربیت شهروندی در کتاب‌های درسی دوره اول ابتدایی» که به شیوی توصیفی و تحلیل محتوای کمی انجام پذیرفته، به این نتایج دست یافته‌اند: با توجه به تعداد کتاب‌ها و سه پایه تحصیلی مورد بررسی، توجه به تربیت شهروندی با تأکید بر تربیت هنری به اندازه کافی نیست و در واقع این مقدار توجه به تربیت شهروندی در کتاب‌های درسی نمی‌تواند در راستای نیاز دانش آموزان به تربیت شهروندی باشد. از سوی دیگر یافته‌های پژوهش توزیع نامتوازن شاخص‌های مرتبط به هریک از ابعاد تربیت شهروندی را نشان می‌دهد به گونه‌ای که حتی برخی از شاخص‌ها مورد توجه کتاب‌های درسی نبوده است.

Karimi and Rahmati (2022) پژوهشی از نوع فراتحلیل با عنوان «مطالعات تربیت شهروندی در آموزش و پرورش ایران» انجام دادند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که وظایف و اهداف نظام آموزشی در آموزش شهروندی نیاز به بازاندیشی و تأملی مجدد دارد. توازن بین محتوای اختصاص داده شده به موضوع شهروندی و سایر مطالب در کتاب‌های درسی وجود ندارد و محتوای موجود فاقد مطلوبیت کافی بوده و از نظر مخاطب جذاب نیست. برخی از ابعاد آموزش شهروندی مغفول مانده و با

سیاسی بعد از انقلاب اسلامی در ایران نمود و ظهور یافته‌اند، و هریک برای چند سال به عنوان گفتمان هژمون در فضای سیاسی کشور حاکم شده‌اند. گفتمان‌های دفاع مقدس دولت موسوی، گفتمان سازندگی دولت هاشمی رفسنجانی، گفتمان اصلاحات دولت محمد خاتمی، گفتمان عدالت محوری دولت محمود احمدی‌نژاد و گفتمان اعتدال دولت حسن روحانی (Hosseinzadeh, 2009: 135). لذا می‌توان تربیت شهروندی را در بازه زمانی پنج گفتمان اصلی جمهوری اسلامی مورد بررسی قرار داد. تا با ملاحظه ویژگی‌های این دوره‌ها تصویری از تحولات گفتمان‌های تربیت شهروندی در برنامه درسی نظام آموزش و پرورش کشور به دست آورد. با توجه به گرایش‌های گروه حاکم، شرایط و چالش‌های هر دوره، تحلیل خاصی از تربیت شهروندی در نظام آموزش و پرورش ارائه و به عنوان نظم گفتمانی آن صورتبندی شده است که این نظم‌های گفتمانی با ساختار مسلط سیاسی مرتبط است. بنابراین می‌توان گفت نظام‌های آموزش و پرورش در گفتمان‌های مذکور، بر حسب نگرشی که به تربیت شهروندی داشته‌اند، برنامه‌ها و اقداماتی انجام داده‌اند. ضرورت پژوهش حاضر برای دستیابی به نقاط ضعف و قوت در هر دوره از گفتمان‌های حاکم بر نظام سیاسی کشور به واسطه تحلیل و نقد گفتمان‌ها، مشخص می‌گردد، چرا که در تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، علاوه بر کشف معانی ظاهری صور زبانی به معانی پنهان آن به عنوان بخشی از یک شبکه پیچیده اجتماعی، فرهنگی و سیاسی پرداخته می‌شود و معانی کلام علاوه بر صور زبانی و مضامین در موقعیت و کارکردی که در شبکه اجتماعی پیچیده به عهده می‌گیرد، به تناقضات و ابهامات درون متنی به بافت اجتماعی و جریان‌های حاکم بر گفتمان دست یازیده و دیدگاه روشن‌تری ارائه می‌دهد. از این رو ضرورت انجام چنین پژوهشی احساس می‌گردد.

درخصوص تربیت شهروندی در نظام‌های آموزش و پرورش مطالعاتی توسط محققین داخلی و خارجی صورت پذیرفته است که به بررسی ابعاد و جنبه‌های مختلفی از این موضوع پرداخته‌اند. تعدادی از این پژوهش‌ها را که

برای کمک به معلمان و در وهله دوم همکاری معلمان و مدیران مدرسه برای ایجاد فرصت‌های بهتر برای دانش‌آموزان به منظور درگیر نمودن آنها در آموزش شهروندی است.

Ghebru and Lloyd (2020) در پژوهشی با عنوان «از آموزش شهروندی تا شهروندی: به سمت جهت‌گیری شهروندی قوی‌تر در برنامه درسی» به این نتیجه رسیدند که آموزش‌های اخلاقی در برنامه درسی مدارس اگر با تأکید بر آموزش شهروندی همراه باشد، می‌تواند بسیار نقش مؤثرتری داشته باشد. چنین رویکردی پیشرفته‌تر از آموزش مدنی است و دانش‌آموزان را به سوی اخلاق-محوری و انتقادگرایی در چهارچوب آموزش جهانی شهروندی هدایت می‌کند.

با مروری اجمالی بر سوابق پژوهش‌های انجام گرفته مرتبط با شهروندی و تربیت شهروندی در نهاد آموزش و پرورش مشخص می‌شود که علی‌رغم اهمیتی که این مقوله می‌تواند داشته باشد، مطالعات و اقدامات صورت گرفته در این خصوص ناکافی می‌باشد. وجه تمایز این پژوهش با تحقیقات قبلی در این است که تاکنون پژوهشی با محوریت تربیت شهروندی در نظام آموزش و پرورش ایران با روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف (Fairclough) با توجه به گفتمان‌های غالب حاکم بر کشور انجام پذیرفته است. بنابراین می‌توان گفت: جنبه تمایز این پژوهش مبنا قرار دادن نظام آموزش و پرورش در گفتمان‌های شکل گرفته بعد انقلاب و بررسی و تحلیل برنامه درسی تربیت شهروندی از منظر آنهاست. و تأثیر هر کدام بر موضوع تربیت شهروندی و آن هم با نگاهی تحلیلی است.

در این پژوهش هدف محقق بر آن است تا به تحلیل انتقادی جایگاه برنامه درسی تربیت شهروندی در نظام آموزش و پرورش ایران در طی پنج گفتمان غالب بعد از انقلاب اسلامی بپردازد. حال با توجه به اهمیت زیادی که تربیت شهروندی در مسیر رشد و تحول جامعه ایران در نظام آموزش و پرورش می‌تواند داشته باشد، این سؤال‌ها مطرح می‌گردد:

1- ویژگی‌های صوری تربیت شهروندی در برنامه

توجه به شرایط کنونی هماهنگی بین محتوا و نیازهای امروز مخاطب لازم است تا مورد توجه قرار گیرد. همچنین توجه به مؤلفه‌های سواد رسانه‌ای و فناوری در آموزش شهروندی و همچنین تربیت شهروندی الکترونیک حائز اهمیت است. در نتیجه، لازم است تا بازنگری جدی در جذابیت، کیفیت و کمیت محتوا و ابعاد گوناگون آموزش و تربیت شهروندی در برنامه‌ی درسی ایران صورت گیرد.

Farhadi et. al. (2023) پژوهشی با عنوان «آموزش شهروندی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران» به روش [تحلیل محتوای کیفی](#) انجام دادند. با توجه به یافته‌های این تحقیق، الگوی [آموزش شهروندی](#) را می‌توان در مؤلفه‌ی دانش شهروندی، مهارت شهروندی و نگرش شهروندی و 27 شاخص مجزا مطرح و ارائه نمود. نتایج این پژوهش نشان داد که بسیاری از شاخص‌های [آموزش شهروندی](#) در [سند تحول بنیادین آموزش و پرورش](#) وجود دارد.

Prior (2006) در تحقیقی با عنوان «آموزش شهروندی و علوم مدنی» که در نظام آموزشی کشور استرالیا انجام پذیرفته نتیجه می‌گیرد: نوجوانان استرالیایی قدر دموکراسی را می‌دانند اما سطح درک آنها از مدنیت و شهروندی کمتر از حد انتظار در این زمینه است. با وجود اینکه دانش‌آموزان استرالیایی برنامه درسی مکتوبی در رابطه با شهروندی دارند. اما همچنان 39 درصد آن‌ها با رویدادها، نمادها و سمبل‌های ملی آشنا نیستند. همچنین دانش‌آموزانی هم که تحت تأثیر برنامه درسی و محیط خانواده مفاهیم اساسی اجتماعی و سیاسی را آموخته‌اند، یا قلباً به آن باور ندارند و یا در عمل آن‌ها چنین رفتاری بروز پیدا نمی‌کند.

Cho (2018) پژوهشی با عنوان «طراحی فضای سوم: استراتژی‌های یکپارچه برای اجرای آموزش شهروندی بحرانی در یک کلاس درس مبتنی بر استانداردها» انجام داده است. یافته‌های او نشان داد که استراتژی آموزشی که معلم برای مقابله با معضلات شناخته شده در فرایند آموزش شهروندی انتقادی می‌تواند از آن بهره بگیرد در وهله اول برنامه‌های حمایتی

پرورش ایران در طول چهار دهه بعد از انقلاب اسلامی در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین انجام خواهد گرفت. در مرحله توصیف که با ویژگی‌های صوری متن مانند واژگان، دستور و ساخت‌های متنی سروکار دارد. آشکارسازی گزاره‌ها و مواضع ایدئولوژیک متن صورت می‌پذیرد. در سطح تفسیر، که مرحله‌ای است که با استفاده از ویژگی‌های صوری، رابطه متن را با زمینه آشکار می‌سازد. به بررسی چگونگی شرایط تولید و خوانش متن (بینامتنیت) پرداخته می‌شود، و در سطح تبیین رابطه گفتمان با مناسبات قدرت تعیین می‌شود. به عبارت دیگر در این بخش به این موضوع پرداخته خواهد شد که چه نوعی از روابط قدرت در سطوح گوناگون نهادی، اجتماعی و موقعیتی در شکل دادن به این گفتمان مؤثر است؟ کدام بستر اجتماعی-سیاسی و فرهنگی به شکل‌گیری چنین متنی انجامیده است (Fairclough, 2000: 96).

در این پژوهش شیوه گردآوری داده‌ها سندکاوی و کتابخانه‌ای بوده است. در روش‌های مطالعه اسنادی و تحلیل گفتمانی معمولاً داده‌ها را از روی بیشترین نزدیکی و همخوانی با موضوع پژوهش انتخاب می‌کنند. در این تحقیق متون مورد نظر برای تحلیل شامل اسناد بالادستی که بیشترین قرابت و نزدیکی را با مفهوم شهروندی دارند و متن کتب درسی مدارس مرتبط با تربیت شهروندی در نظام آموزش و پرورش در طی پنج دوره گفتمانی بعد از انقلاب اسلامی می‌باشد. کتاب‌های درسی یکی از مهمترین مراجع و منابع یادگیری دانش آموزان در هر نظام آموزشی می‌باشد. و بیشتر فعالیت‌های آموزشی در چارچوب کتاب‌های درسی صورت می‌گیرد و در ایران کتاب درسی سمبل محتوای کتبی برنامه درسی می‌باشد (Aridhi, 2003: 30). به منظور بررسی گفتمان‌های تربیت شهروندی در نظام آموزش و پرورش مقطع تاریخی مورد مطالعه از سال 1360 تا 1400 در پنج گفتمان اصلی «دفاع مقدس، سازندگی، اصلاحات، عدالت محوری و اعتدال» بعد از انقلاب اسلامی می‌باشد. در جدول شماره 1 اسناد و متون مورد بررسی در زمینه تربیت شهروندی در هر دوره گفتمانی بیان شده است.

درسی نظام آموزش و پرورش ایران در طی دوره‌های گفتمانی مختلف چه بوده است؟

- 2- شهروند مطلوب در برنامه درسی نظام آموزش و پرورش هر گفتمان دارای چه ویژگی‌هایی بوده است؟
- 3- چه شرایطی از لحاظ تاریخی و اجتماعی در زمان تولید و مصرف اسناد و متون مرتبط با تربیت شهروندی در دوره‌های گفتمانی مختلف حاکم بر نظام آموزش و پرورش ایران بوده است؟
- 4- تربیت شهروندی در برنامه درسی نظام آموزش و پرورش ایران در طی دوره‌های گفتمانی مختلف از چه جایگاهی برخوردار بوده است؟

می‌توان گفت: یافته‌های پژوهش حاضر، وضعیت تربیت شهروندی را در برنامه درسی نظام آموزش و پرورش کشور برای سیاست‌گذاران فرهنگی، اجتماعی و دست‌اندرکاران تربیتی، آشکار می‌کند. و بینشی نسبت به آینده فراهم خواهد آورد. تحلیل و نقد جایگاه برنامه درسی تربیت شهروندی، با مشخص نمودن بار معنایی و اهداف پنهان و ارتباط متن با قدرت و بافت اجتماعی، علاوه بر روشن‌گری نقاط قوت و ضعف، بازنگری‌های احتمالی در تصمیمات و برنامه‌ریزی‌ها را، موجب گشته و به بهبود نظام آموزشی در بعضی زمینه‌ها، منجر می‌گردد.

روش پژوهش

با توجه به تناسب و مزایای روش تحقیق کیفی و هم-خوانی تکنیک تحلیل گفتمان با موضوع پژوهش، و نیز کارایی بهتر روش فرکلاف برای انجام تحقیقات سیاسی-اجتماعی، در بررسی و تحلیل متون از تحلیل گفتمان بر اساس رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف بهره برده‌ایم. روش فرکلاف امکان بررسی متون تاریخی و استخراج مفاهیم اصلی مورد استفاده در مسأله مورد نظر، و نیز امکان تفسیر و تبیین این متون را در اختیارمان می‌گذارد.

هدف از تحلیل گفتمان پر کردن خلأ میان تحلیل‌های خرد و کلان از پدیده‌های اجتماعی است. براین اساس تحلیل گفتمان‌های تربیت شهروندی در نظام آموزش و

جدول 1: اسناد و متون مورد تحلیل در دوره‌های گفتمانی بعد از انقلاب اسلامی

اسناد مورد تحلیل	تاریخ دوره گفتمانی	دوره گفتمانی
برخی مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش (قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش مصوب سال 1366)، متن کتاب‌های درسی مدارس مرتبط با تربیت شهروندی (تعلیمات اجتماعی پایه سوم تا پنجم ابتدایی و پایه اول تا سوم راهنمایی، جامعه‌شناسی پایه های اول تا چهارم دبیرستان).	1368-1360	دفاع مقدس
برنامه‌های اول و دوم توسعه، متن کتاب‌های درسی مدارس مرتبط با تربیت شهروندی (تعلیمات اجتماعی پایه سوم تا پنجم ابتدایی و پایه اول تا سوم راهنمایی، جامعه‌شناسی پایه های اول تا چهارم دبیرستان).	1376-1368	سازندگی
برنامه‌های سوم و چهارم توسعه، متن کتاب‌های درسی مدارس مرتبط با تربیت شهروندی (تعلیمات اجتماعی پایه سوم تا پنجم ابتدایی و پایه اول تا سوم راهنمایی، مطالعات اجتماعی پایه اول دبیرستان، جامعه‌شناسی پایه دوم و سوم دبیرستان و علوم اجتماعی دوره پیش‌دانشگاهی)	1384-1376	اصلاحات
برنامه پنجم توسعه، متن کتاب‌های درسی مدارس مرتبط با تربیت شهروندی (مطالعات اجتماعی پایه سوم تا ششم ابتدایی، تعلیمات اجتماعی دوره اول متوسطه، جامعه‌شناسی پایه دوم و سوم متوسطه و علوم اجتماعی دوره پیش‌دانشگاهی)، مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران مصوب 1390	1392-1384	عدالت‌محوری
برنامه ششم توسعه، متن کتاب‌های درسی مدارس مرتبط با تربیت شهروندی (مطالعات اجتماعی پایه سوم تا ششم دوره ابتدایی و پایه هفتم تا نهم دوره اول متوسطه، جامعه‌شناسی پایه دوم و سوم دوره دوم متوسطه و علوم اجتماعی دوره پیش‌دانشگاهی، جامعه‌شناسی پایه دهم تا دوازدهم دوره دوم متوسطه)، منشور حقوق شهروندی مصوب 1395	1400-1392	اعتدال

متون و کتب انتخابی در دوره‌های تعیین شده، مطالعه و بررسی شود و سپس از میان متون مورد بررسی متن‌های را که بیشترین قرابت و نزدیکی را با مفهوم شهروندی داشته و جنبه نمونه معرف را داشتند یا بیشترین نقش را در بازنمود گفتمان تربیت شهروندی داشته‌اند، برای تحلیل نهایی انتخاب شود. در تحقیق حاضر پس از انتخاب متن مناسب از هر کدام از گفتمان‌ها، نوبت به خواندن متن و انتخاب پاراگراف‌هایی است که در آنها به تربیت شهروندی اشاره شده است. در گام بعد با توجه به اینکه واحد تحلیل خود را پاراگراف قرار داده‌ایم براساس روش فرکلاف به استخراج معناهای اصلی متن خواهیم پرداخت.

ابزار پژوهش برای استخراج مفاهیم مرتبط با تربیت شهروندی در اسناد و متون پنج گفتمان مورد بررسی، چک لیست تحلیل محتوای از پیش سازمان یافته است.

از آنجایی که در برنامه درسی نظام آموزشی کشور ما کتاب درسی مشخصی با عنوان تربیت شهروندی وجود ندارد، بخش‌هایی از 53 عنوان کتاب درسی شامل تعلیمات اجتماعی و مطالعات اجتماعی، جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی در مقاطع تحصیلی ابتدایی، راهنمایی (و متوسطه اول) و متوسطه مورد تحلیل قرار می‌گیرند. زیرا این کتب با توجه به سرفصل‌های درسی که دارند پایه شناخت دانش‌آموزان را از نهادها و فرآیندهای سیاسی-اجتماعی افزایش می‌دهند (Sharafi & Taherpour, 2008: 51).

شیوه نمونه‌گیری در این پژوهش، نمونه‌گیری هدفمند می‌باشد، چرا که در تحلیل گفتمان، اساساً کیفیت حضور یا غیبت مفاهیم در متن، مورد نظر است (Frankfort & Nachmias, 2002). در این مطالعه سعی شده است که ابتدا تمامی اسناد،

خارجی مرتبط با مبحث مورد پژوهش، می‌توان مؤلفه‌ها و شاخص‌های تربیت شهروندی را برای گنجاندن در اسناد مورد تحلیل به صورت جدول 2 ترسیم نمود.

که قبلاً توسط (Jamali Tazekand & et al (2013) طراحی شده است که محقق تغییرات مختصری در آن به وجود آورده است. با در نظر گرفتن مطالعات داخلی و

جدول 2: مؤلفه‌ها و شاخص‌های تربیت شهروندی (Seif Naraghi et al, 2009 & Turner & Baker, 2000)

مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
دانش ویژه شهروندی	نقش و اهمیت خانواده، اشکال مختلف حکومت، وظایف و اختیارات رهبری و قوای مقننه، قضائیه و مجریه و سایر نهادها و اشخاص وابسته به نظام، قوانین و مقررات (قانون اساسی و قوانین اجتماعی...)، حفاظت از محیط زیست، اهمیت رسانه‌ها در جامعه، حقوق و وظایف شهروندی، دانش مربوط به نظام انتخاباتی کشور، احزاب و انجمن‌ها، آشنایی با سازمان ملل و سایر سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی، وابستگی متقابل جهانی و مسائل و چالش‌های آن.
مهارت ویژه شهروندی	مهارت مربوط به همدلی، رعایت بهداشت فردی و عمومی، وظیفه‌شناسی، خودآگاهی، توانایی انتخاب و تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، تدبیر و تعقل، پیشگیری از رفتارهای پرخطر، مسئولیت‌پذیری، مشارکت، حل مسأله، استفاده درست از امکانات شهری و حفظ اموال عمومی، میانه‌روی، مهارت مربوط به برقراری ارتباط، ارزیابی نقادانه مسائل، توانایی گفتگو و دیالوگ.
نگرش ویژه شهروندی	عدالت‌خواهی، انتقادگری و انتقادپذیری، احترام به حقوق دیگران، اطاعت از قانون، آزادی مدنی، پذیرش تنوع و تکرار، کرامت و برابری انسان‌ها، احترام به فرهنگ و هویت، تعاون و همکاری، اهمیت نظم، اهمیت دادن به صلح و پیشرفت جهانی، حس وطن پرستی، اهمیت دادن به میراث فرهنگی.

در نظام آموزش و پرورش ایران در پنج گفتمان مذکور لازم است اسناد و متون هر گفتمان که بیشترین ارتباط را با مقوله تربیت شهروندی دارند در سطح توصیف مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. در متون و اسناد نظام آموزش و پرورش پنج گفتمان غالب ایران واژگان کانونی مرتبط با تربیت شهروندی که بیشترین تکرار را داشته‌اند و بیش از انتظار مورد توجه قرار گرفته‌اند عبارتند از: «عدالت‌خواهی»، «داشتن روحیه نظم و قانون‌مداری»، «تأکید بر ارزش‌های اسلامی و انقلابی»، «خدمت‌رسانی به شهروندان»، «مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی»، «حمایت از محرومان و کاهش فقر و محرومیت»، «داشتن حق انتخاب آزادانه»، «مشارکت مردمی». گروه دوم واژگان که در حد انتظار مورد توجه قرار گرفته‌اند عبارتند از: «پرورش روحیه ساده زیستی»، «همدلی و همدردی و حمایت از دیگران»، «تأمین اجتماعی و رفاه شهروندان»، «زندگی جمعی (هم‌زیستی مسالمت‌آمیز)»، «احترام به حقوق دیگران»، «حس وطن‌دوستی و احترام به نشانه‌های ملی»، «مردم‌سالاری دینی»، «پیشگیری از رفتارهای پرخطر مانند (پرخاشگری، اعتیاد و...)».

کار تحلیل گفتمان شامل یک رفت و برگشت دائمی از متن به تحلیل و بلعکس بود. در مرحله اول کار با روخوانی متن برای روشن کردن موضوع و توصیف آن انجام شد. سپس بارها، متن خوانده شد تا پیش‌فرض‌ها، الگوهای کنش‌گفتاری، معانی کانونی و مباحث ایدئولوژیک از متن استخراج شد. در این پژوهش، بعد از تبیین و مشخص نمودن دال‌های تربیت شهروندی در اسناد و قوانین دولتی گفتمان‌های پس از انقلاب اسلامی، به توصیف، تفسیر و تبیین متون ذکر شده به روش فرکلاف خواهیم پرداخت. تا بتوان به پاسخ سؤالات تحقیق دست یافت.

یافته‌ها

نتایج تحلیل متون و اسناد مورد بررسی جهت پاسخ به سؤالات تحقیق به قرار زیر است:

1- ویژگی‌های صوری تربیت شهروندی در برنامه درسی نظام آموزش و پرورش ایران در طی دوره‌های گفتمانی مختلف چه بوده است؟
برای پی بردن به ویژگی‌های صوری تربیت شهروندی

توجه شده است. در آموزش و پرورش گفتمان اعتدال به مقوله‌های «داشتن روحیه نظم و قانون‌مداری»، «مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی»، «داشتن حق انتخاب»، «مشارکت مردمی»، «تأمین اجتماعی و رفاه شهروندان»، «تدبیر و تعقل»، «احترام به حقوق دیگران» و «جلوگیری از افراط و تفریط» توجه شده است. بنابراین در نظام آموزش و پرورش در هیچ کدام از گفتمان‌های مورد بررسی اولویت‌های اول برای تربیت شهروندی یکسان نبوده و در هر گفتمان اولویت‌های متفاوتی در نظر گرفته شده است.

اما نظام آموزش و پرورش ایران در هر پنج گفتمان غالب کشور به طور مشترک برخی از شاخص‌ها و مؤلفه‌های تربیت شهروندی را در اولویت کاری خود قرار نداده‌اند و نسبت به آنها کم توجه بوده‌اند که از آن جمله شهروندی جنسیتی، پذیرش تنوع و تکثر در جامعه و احترام به آن، شهروند انتقادی، تربیت سیاسی و شهروندی جنسیتی می‌باشد.

2- شهروند مطلوب در برنامه درسی نظام آموزش و پرورش هر گفتمان دارای چه ویژگی‌هایی بوده است؟
براساس تحلیل و توصیف اسناد و متون مرتبط با سیستم آموزش و پرورش هر گفتمان می‌توان ویژگی‌های مشترکی را برای شهروند مطلوب هر گفتمان ترسیم نمود (جدول 3).

«احترام و عمل به ارزش‌ها و هنجارهای جامعه»، «روحیه اعتماد به نفس» و «امانت‌داری و حفظ اموال عمومی». گروه سوم واژگان که کمتر از حد انتظار مورد توجه قرار گرفته‌اند عبارتند از: «تولنایی حل مسأله»، «تفکر انتقادی (ارزیابی نقادانه مسایل)»، «پذیرش تنوع و تکثر و احترام به تفاوت‌ها»، «حفظ حریم خصوصی»، «تربیت سیاسی»، «آگاهی اجتماعی» و «شهروندی جنسیتی».

در آموزش و پرورش گفتمان دفاع مقدس اولویت‌های تربیت شهروندی، «تربیت اعتقادی و معنوی»، «همکاری و مشارکت»، «تأکید بر ارزش‌های اسلامی و انقلابی»، «عدالت‌گستری» و «حمایت از محرومان» می‌باشد در حالی که در آموزش و پرورش گفتمان سازندگی مقوله‌های «مسئولیت‌پذیری»، «داشتن روحیه نظم و قانون‌مداری» و «رفاه شهروندان و توسعه اقتصادی» از اولویت برخوردار هستند و در گفتمان اصلاحات اولویت آموزش و پرورش در خصوص تربیت شهروندی مقوله‌های «داشتن حق انتخاب آزادانه»، «مشارکت»، «تربیت سیاسی» و «مردم سالاری دینی» بوده است. در آموزش و پرورش گفتمان عدالت‌محوری به مقوله‌های «حمایت از محرومان و کاهش فقر»، «عدالت‌خواهی»، «ارزش‌های اسلامی انقلاب»، «خدمت‌رسانی به شهروندان»، «احترام و عمل به ارزش‌ها و هنجارهای جامعه»، «پرورش روحیه ساده زیستی» و «همدلی و همدری و حمایت از دیگران»

جدول 31: ویژگی‌های شهروند مطلوب در آموزش و پرورش هر گفتمان

ویژگی شهروند مطلوب	گفتمان
پایبند اصول اخلاقی، اعتقادی و معنوی، همکاری و مشارکت در امور اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، توانایی رفتار بر اساس ارزش‌های اسلامی و انقلابی، عدالت-خواه، کمک کننده به محرومان.	آموزش و پرورش در گفتمان دفاع مقدس
مسئولیت‌پذیر در امور خانوادگی و اجتماعی، دارای روحیه نظم و قانون‌مداری، وظیفه‌شناس، حامی آرمان‌ها و اهداف انقلاب، پیروزی از موازین اسلامی، ارزش قائل شدن برای رفاه شهروندان و توسعه اقتصادی کشور.	آموزش و پرورش در گفتمان سازندگی
توانایی گفتمان و دیالوگ، توانایی نقد و ارزیابی، داشتن روحیه انتقادپذیری، داشتن حق انتخاب آزادانه، توانایی مشارکت در فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و همچنین مشارکت با دیگران (گروه‌ها، مؤسسات اجتماعی، انجمن‌ها و...)، ارزش قائل شدن برای مردم سالاری دینی.	آموزش و پرورش در گفتمان اصلاح‌طلبی

<p>توانایی درک متقابل، داشتن روحیه‌ی قانون‌مداری، عدالت‌خواه، ساده‌زیست، حامی محرومان، پایبند به ارزش‌های اسلامی و انقلابی، رعایت حقوق و وظایف شهروندی و احترام به حقوق دیگران، توانایی رفتار بر اساس اصول اخلاقی و مذهبی و هنجارهای مطلوب جامعه، پایبند به اصول اولیه‌ی انقلاب.</p>	<p>آموزش و پرورش درگفتمان عدالت‌محوری</p>
<p>آگاه به حقوق فردی، التزام عملی به قانون، دارای حق آزادی، مشارک در امور، دارای قدرت تصمیم‌گیری خردمندانه، میانه‌رو، مسئولیت‌پذیر، دارای حق انتخاب، آگاه بودن نسبت به مقررات حاکم بر جامعه، احترام قائل شدن برای حقوق دیگران، در پی تأمین اجتماعی و افزایش کیفیت زندگی، ارزشمندی توسعه اقتصادی.</p>	<p>آموزش و پرورش درگفتمان اعتدال</p>

اختیارات حکومت. و هم معنا گرفتن تربیت شهروندی با عباراتی مانند: تأکید بر امر تأمین اجتماعی، اولویت بخشی به فقرا و مناطق محروم، تقویت اعتقادات دینی و مذهبی و گسترش فرهنگ جهاد و مقاومت اسلامی نشانگر گرایش و نگاه گفتمان دفاع مقدس به مسائل اجتماعی جامعه و مقوله تربیت شهروندی می‌باشد.

اسناد و متون مرتبط با تربیت شهروندی در نظام آموزش و پرورش گفتمان دفاع مقدس، به دلیل شرایط تاریخی و اجتماعی خاص حاکم بر کشور براساس افکار و ایدئولوژی‌های خاص تولید و مورد خوانش قرار گرفتند. در این دوران ایدئولوژی اسلام‌خواهی انقلابی رویکرد غالب بود و می‌توان گفت: شهروندی و تربیت شهروندی در نظام آموزش و پرورش این گفتمان تحت تأثیر ارزش‌ها و احکام اسلامی و همچنین مدیریت جنگ تحمیلی بوده است. و از جنبه‌ی دیگر تربیت شهروندی تحت تأثیر رویکرد عدالت‌گرایانه و مساوات‌طلبانه مبتنی بر قائل شدن نقشی پر رنگ برای دولت و حمایت‌های آن از آحاد جامعه در این زمینه بوده است.

در این دوره شاهد رخدادهایی نظیر: شرایط نا آرام و چند دستگی فکری - اعتقادی اوایل انقلاب، وجود قید و بندهای بسیار به دلیل فضای حاکم بر کشور، جنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه ایران و نیز برخی درگیری‌های قومیتی و وقوع اغتشاشات سیاسی داخلی که موجب ایجاد چند دستگی در بین اقشار مختلف جامعه گردید می‌باشیم که موجب به وجود آمدن فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایدئولوژیک گردید. شرایط و فضای حاکم بر کشور تا حدودی محدودکننده

3- چه شرایطی از لحاظ تاریخی و اجتماعی در زمان تولید و مصرف اسناد و متون مرتبط با تربیت شهروندی در دوره‌های گفتمانی مختلف حاکم بر نظام آموزش و پرورش ایران بوده است؟

برای درک نمودن شرایط تاریخی و اجتماعی تاثیرگذار بر نظام تعلیم و تربیت رسمی ایران که اسناد و متون مرتبط با تربیت شهروندی در آن تولید و مصرف شده‌اند لازم است به تحلیل این متون و اسناد در سطح تفسیر در نظام آموزش و پرورش ایران در طی پنج گفتمان اصلی حاکم بر کشور پرداخته شود. در گفتمان دفاع مقدس مهم‌ترین مسئله و هدف اصلی تحقق آرمان عدالت اجتماعی بود (Hosseinzadeh, 2009: 145). همچنین گفتمان این دوره تحت تأثیر جبهه‌های جنگ نوعی سامان‌تک‌ذهنی بود که مبتنی بر ارزش‌هایی چون جهاد و شهادت و همین‌طور دفاع از ارزش‌های دفاع مقدس بود (Mehdizadeh, 2002: 195). برای پی بردن به شرایط حاکم بر جامعه و همچنین آشکار نمودن جهان بینی تولید کنندگان متن که در تخصص با ارزش‌های دوران قبل از انقلاب می‌باشد شناخت واژگان و عبارات پرتکرار در هر گفتمان اهمیت و ضرورت قابل توجهی دارد به گونه‌ای که در متون مرتبط با مقوله تربیت شهروندی در نظام آموزش و پرورش گفتمان دفاع مقدس تکرار مرتب و پربسامد واژه‌ها و عباراتی نظیر: اهمیت و ضرورت وجود حکومت اسلامی، حمایت از محرومان، مقابله با فرهنگ بیگانه و غربزدگی، ارزش‌های اسلامی و انقلابی، مشارکت، عدالت‌گستری، استقلال، تربیت اعتقادی و معنوی، فرهنگ ایثارگری، شناخت وظایف و

شعارها و برنامه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... ارجحیت نسبی یافت و آن عناصر نیز با برخورداری از معنایی جدید و توسعه‌محورانه در ارتباط با توسعه اقتصادی و نوسازی ایران مطرح شدند.

گفتمان اصلاح‌طلبی با نشانه‌هایی مانند نهادینه کردن آزادی، توسعه جامعه مدنی، مشارکت شهروندان در فضای آزاد و قانونمند، حاکمیت مردم، توسعه سیاسی، توجه به حقوق اقلیت‌ها، طرفداری از توده‌های مردم، قانون‌گرایی، انتقادگری و شایسته‌سالاری برجسته گردید (Aghajari, 2002: 28). طبق تحلیل متون مرتبط با تربیت شهروندی در نظام آموزش و پرورش گفتمان اصلاحات، کاربرد واژه‌ها و عبارات پرسامدی نظیر: آزادی فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی، حقوق شهروندی، حق انتخاب، توسعه سیاسی، تربیت سیاسی، مشارکت، اصلاح، جامعه مدنی، عدالت، مردم‌سالاری و هم معنا گرفتن تربیت شهروندی با عباراتی مانند: تأکید بر پیروی از قانون و مقررات، توجه به هویت اسلامی- ایرانی، کثرت‌گرایی فرهنگی، توجه به برقراری ارتباط، حمایت از نقد، توجه به مشارکت سیاسی، گسترش فعالیت احزاب و انجمن‌ها، دفاع از حقوق شهروندان، تأمین حقوق و آزادی‌های مشروع و قانونی شهروندان نشانگر گرایش و نگاه دولت اصلاحات به مباحث فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه بوده است. به گونه‌ای که در دوران گفتمان اصلاحات شاهد گشایش فضای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جامعه بودیم.

در این دوره نیز به دلیل افکار و ایدئولوژی‌های خاصی که منشعب از شرایط تاریخی و اجتماعی خاص حاکم بر نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور بود تولید و خوانش اسناد و متون مرتبط با تربیت شهروندی شکل متفاوتی به خود گرفت. در این دوره شاهد تغییرات و دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی گسترده‌ای بودیم. از جمله تغییرات این مقطع از زمان می‌توان به ایجاد مطبوعات با گرایش‌های سیاسی - اجتماعی مختلف، سعی نمودن برای تبیین مقوله‌هایی مانند آزادی، مردم‌سالاری، جامعه

فعالیت‌های اجتماعی در نظام آموزش و پرورش رسمی کشور بود.

در گفتمان سازندگی از تقاضاهای مطرح با توجه به شرایط آن زمان رفع مشکلات اقتصادی و اجتماعی و ضرورت بازسازی کشور بود (Fawzi, 2011: 253). در اسناد و متون مرتبط با تربیت شهروندی در نظام آموزش و پرورش این دوره، تکرار مرتب و پرسامد واژه‌هایی نظیر: بازسازی، سازندگی، رشد اقتصادی، تربیت نیروی انسانی متخصص، جنگ‌زده، قشر محروم، خودکفایی و هم معنا گرفتن تربیت شهروندی با به کارگیری عباراتی نظیر: گسترش فرهنگ تعاون، مشارکت مردمی، کاهش شکاف طبقاتی، توجه به توسعه اقتصادی، اهمیت دادن به یکپارچگی و امنیت کشور، تأمین نیازهای حیاتی و اولیه، کاهش فقر و محرومیت، آشنایی با وظایف و اختیارات سازمان‌ها و نهادهای دولتی و حکومتی و تخصص‌گرایی که ناشی از شرایط حاکم بر جامعه و همچنین اهداف پنهان و آشکار گفتمان غالب کشور می‌باشد. بیش از هر چیز بیانگر جهان بینی تولیدکنندگان متن در نظام آموزشی گفتمان سازندگی می‌باشد.

در نظام آموزش و پرورش این دوره اسناد و اقداماتی که همپوشانی با مقوله تربیت شهروندی داشتند به جهت شرایط گفتمانی ویژه‌ای که حاکم بر فضای کشور بود بر اساس ایدئولوژی و نگرش‌های خاصی تولید و مورد خوانش قرار گرفتند. در این گفتمان با توجه به اینکه اعضای کابینه و مدیران از هویتی نسبتاً جدید، در قیاس با دهه قبل از آن برخوردار بودند، مقوله‌هایی مانند تخصص، تکنوکراسی، در رأس بودن منافع ملی و تقدم منافع ملی بر منافع ایدئولوژیک از اهمیت بیشتری برخوردار بود (Fawzi, 2011: 254). در نظام آموزش و پرورش این گفتمان، به تبع فضای سیاسی - اجتماعی کشور عناصری همچون نوسازی و سازندگی، استکبار جهانی، تخصص، مقاومت، و جمهوری اسلامی از نو فصل‌بندی شده و معنای مطلق و پیشین خود را از دست دادند. از این رو بود که توسعه اقتصادی ایران بر تمامی

سمت و سوی معنویت‌گرایی و اخلاق‌گرایی، در این دوران سعی گردیده است دولت و جامعه از نزاع‌های سیاسی دورنگهداشته شوند و دولت به دنبال رفع احتیاجات اولیه شهروندان باشد.

گفتمان اعتدال اعتقاد به هویت دینی، تمرکززدایی فرهنگی، سیاست‌زدایی از فرهنگ و احترام به تمام خرده فرهنگ‌ها و اقوام داشت (Ekvani & Norouzi, 2014:14) و Nejad, 2014:14) اصلی‌ترین مشخصه این گفتمان به وجود آوردن تعادل و توازن بین آرمان و واقعیت می‌باشد (Dehghani Firoozabadi, 2014: 1). گفتمان اعتدال به دنبال احیا و اجرای حقوق شهروندی در جامعه بود شاهد این قضیه تدوین منشور حقوق شهروندی می‌باشد. متن این منشور دستیابی به حقوق شهروندی (حقوق سیاسی و مدنی) را شرط لازم برای رسیدن به توسعه اجتماعی، فرهنگی و سیاسی می‌داند. این سند داشتن مدلول‌های گفتمانی همچون «آزادی»، «عدالت»، «امنیت»، «مشارکت»، «حرمت»، «دادخواهی»، «رفاه»، «سرپناه»، «مالکیت»، «معاش»، «آموزش»، «زیست‌گاه»، «توسعه»، «صلح»، «اقتدار ملی» را برای حرکت جامعه به سمت مردم‌سالاری ضروری می‌داند. گرایش و نگاه گفتمان اعتدال به مسائل اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران را می‌توان از روی واژه‌ها و عبارات پربسامدی نظیر: شناخت انواع حقوق شخصی و اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، برقراری ارتباط با دیگران، تعامل سازنده با جهان، تعاون، عدالت، حق انتخاب، پرهیز از تندروی، رعایت حقوق دیگران و هم معنا گرفتن تربیت شهروندی با عباراتی مانند: تأکید بر آزادی و امنیت شهروندی، حفظ حقوق شهروندان، برخورداری از سلامت و کیفیت زندگی، که در متون و اسناد مرتبط با تربیت شهروندی در نظام آموزش و پرورش این گفتمان به کار رفته را بدست آورد.

در این دوره شرایط خاصی در زمان تولید و مصرف اسناد و متون مرتبط با تربیت شهروندی حاکم بر نظام آموزش و پرورش کشور بود. می‌توان گفت: در این دوره به دلیل محدودیت‌های ایجاد شده در گفتمان

مدنی، اصلاحات و مشارکت همگانی مردم و اهمیت قائل شدن برای فعالیت جناح‌ها و گروه‌های مختلف سیاسی اشاره نمود. البته به خاطر وجود افکار شبه لیبرالی و سکولار و غیر ارزشی بر عرصه فرهنگ کشور معایب و تنگناهای فرهنگی، اجتماعی خاصی در جامعه به ویژه در بین نسل جوان ایجاد گردید. به گونه‌ای که می‌توان گفت: پیدایش سلیقه‌های ناپه‌نجان فرهنگی در بین نسل جدید از شرایط این دوره بود. که دانش‌آموزان و نهاد آموزش و پرورش کشور تا حدودی متأثر از این شرایط گردید.

از شاخصه‌های اصلی گفتمان عدالت‌محوری، خدمت‌رسانی به تمامی اقشار جامعه، ارتقای معیشت شهروندان، مردم‌گرایی، تأکید بر ارزش‌های اسلامی و انقلابی بود (Hosseinzadeh, 2009: 155). با توجه به اینکه جهت‌گیری اصلی مطرح شده در گفتمان عدالت‌محوری تداوم ارزش‌های گفتمان انقلاب اسلامی بود، نظام آموزش و پرورش و مقوله تربیت شهروندی متأثر از این قضیه گردید. طبق تحلیل متون و اسناد مرتبط با تربیت شهروندی در نظام آموزش و پرورش این دوره کاربرد واژه‌ها و عبارات پربسامدی مانند: فرهنگ و تمدن اسلامی - ایرانی، خدمت‌گزاری، حقوق برابر، داشتن حق انتخاب، احترام به حقوق دیگران، عدالت، مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی، شایسته‌سالاری و هم معنا گرفتن تربیت شهروندی با عباراتی نظیر: توجه به ارزش‌های اسلامی و انقلابی، تأکید بر رعایت قانون و تأکید بر مشارکت اجتماعی و داشتن روحیه‌ی جمعی بیانگر این است که گفتمان عدالت‌محوری به دنبال احیا و گسترش ارزش‌های مطرح شده در اوایل انقلاب اسلامی بوده است. از شرایط تاریخی و اجتماعی حاکم بر این دوره که اسناد و متون مرتبط با تربیت شهروندی در نظام آموزش و پرورش در آن شرایط طراحی و مورد اجرا قرار گرفته اند به این موارد می‌توان اشاره نمود: نگرش ارزشی دولت به مسائل اجتماعی و تربیتی، به گونه‌ای که ارزش‌های دینی، مذهبی، اخلاقی و انسانی از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار شدند، تلاش در جهت حمایت از محرومین و مردم‌گرایی، سوق دادن فضای جامعه به

دلیل کم توجهی به نیازهای مختلف شهروندان در خصوص تربیت شهروندی و همچنین در نظر نگرفتن نظریات و تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جهان، نتوانسته بطور جامع و کامل به ابعاد مختلف تربیت شهروندی بپردازد. می‌توان گفت: در این دوران آموزش و پرورش، با توجه به شرایط حاکم بر کشور مقوله‌های محدود و خاصی از تربیت شهروندی را مدنظر قرار داده است. به‌گونه‌ای که در این دوران شکل‌گیری شهروندی مذهبی و انقلابی مدنظر بوده است.

تربیت شهروندی در نظام آموزش و پرورش گفتمان سازندگی با توجه به تمرکز این گفتمان بر اقتصاد، بازسازی و سازندگی بیشتر به سمت و سوی مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی از تربیت شهروندی گرایش پیدا نمود که در راستای مقاصد دولت وقت و همچنین فضای حاکم بر جامعه باشد. به نحوی که اقدامات مرتبط با تربیت شهروندی در این گفتمان بیشتر در راستای تثبیت سیاسی به جای توسعه سیاسی، تنش‌زدایی از جو حاکم بر کشور به منظور دستیابی هرچه بیشتر به پیشرفت و گسترش فعالیت‌های اقتصادی و ایجاد زمینه‌ها و شرایط لازم برای توسعه اقتصادی و بهبود زیرساخت‌ها با توجه به پیامدهای اقتصادی و اجتماعی جنگ تحمیلی صورت پذیرفته بود. به گونه‌ای که (Mottaqi, 2016) عناصر مطرح گفتمان دولت سازندگی را نوسازی و سازندگی، توسعه اقتصادی، واقع‌گرایی و عمل‌گرایی می‌داند.

در نظام آموزش و پرورش گفتمان سازندگی به جنبه‌هایی از تربیت شهروندی که در خصوص آزادی در زمینه و ابعاد مختلف، ضرورت شکل‌گیری نهادهای مدنی، تکثر سیاسی و اجتماعی، توسعه سیاسی، جامعه چندصدایی و مباحثات انتقادی اشاره‌های اندکی شده است. زیرا مقوله تربیت شهروندی در نظام آموزش و پرورش این دوران و بعد از پایان جنگ تحمیلی متأثر از تقاضاهای مطرح در آن دوران از جمله رفع مشکلات اقتصادی و بازسازی کشور بود. نظام آموزشی در جایگاه خود برای پاسخ به این تقاضاها نیازمند آن بود که به مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی از تربیت شهروندی توجه نماید

عدالت‌محوری شرایط بگونه‌ای پیش رفت که دولت به دنبال اولویت قائل شدن برای تعامل مؤثر با جهان و حل مسائل بین‌المللی و نیز عادی‌سازی و بهبود روابط با کشورهای منطقه در جهت کاهش و بهبود مشکلات و موانع اقتصادی پیش آمده بود و همچنین از وقایع مهم این دوره شیوع گسترده ویروس کووید 19 (کرونا) در دو سال پایانی این گفتمان و جایگزینی آموزش مجازی و از راه دوره بجای آموزش حضوری دانش‌آموزان بود که تمامی این شرایط پیش آمده مقوله تربیت شهروندی را تحت تاثیر جدی قرار داده بود.

4- تربیت شهروندی در برنامه درسی نظام آموزش و پرورش ایران در طی دوره‌های گفتمانی مختلف از چه جایگاهی برخوردار بوده است؟

برای پی بردن به جایگاه تربیت شهروندی در برنامه درسی نظام آموزش و پرورش کشور در طی گفتمان‌های مختلف حاکم بر کشور به تحلیل و تبیین متون و اسناد مرتبط با تربیت شهروندی در پنج گفتمان اصلی کشور از ابتدای انقلاب تاکنون می‌پردازیم. در دهه اول انقلاب به دلیل فضای خاص حاکم بر کشور مسائل نظامی و دفاع از کشور در اولویت بوده و برنامه و گفتمانی منسجم برای تحقق ضابطه‌مند مسائل دیگر در کشور بوجود نیامده بود (Akhavan Kazemi, 2009: 210). از این رو در دوران گفتمان دفاع مقدس، نهادهای مختلف اجتماعی از جمله آموزش و پرورش بیش از هر چیز به دنبال پیشگیری و کاهش آسیب‌های احتمالی پیش روی و ایجاد همبستگی، اتحاد و انسجام در بین اقشار مختلف جامعه بودند. بنابراین می‌توان گفت: اسناد و متون مرتبط با مقوله تربیت شهروندی در نظام آموزش و پرورش گفتمان دفاع مقدس به منظور: ایجاد زمینه‌های لازم در بین شهروندان جهت بروز ثبات سیاسی در کشور، تحقق و گسترش ارزش‌ها و احکام اسلامی در بین تمامی شهروندان جامعه در ابعاد گوناگون، تحقق و ترویج ارزش‌های مدنظر انقلاب و همچنین گسترش و ترویج روحیه مقاومت و ایثارگری، طراحی و به اجرا در آمده است. نظام آموزش و پرورش گفتمان دفاع مقدس به

که در پی ایجاد ثبات و امنیت بخشیدن به فضای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور باشد. بنابراین شاخص‌ها و مؤلفه‌های زیادی از تربیت شهروندی در این دوره، مغفول مانده است. و مقوله تربیت شهروندی در سطح گسترده و جامعی مطرح نگردید. و می‌توان گفت: گفتمان سازندگی برنامه‌ها و اقدامات مرتبط با توسعه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به ویژه مقوله تربیت شهروندی را در حاشیه توسعه اقتصادی و مورد غفلت آگاهانه قرار داد.

عملکرد نه چندان موفق نظام آموزش و پرورش دولت سازندگی در خصوص تربیت شهروندی، دلایل متعددی دارد، دولت سازندگی بر این عقیده بود که فعالیت‌های معمولی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بازسازی را به عقب می‌اندازد. این نگرش موجب گردید که توسعه اقتصادی در اولویت کاری دولت قرار بگیرد. برای دستیابی به این هدف ثبات سیاسی و مشارکت‌گرایی محدود از مشخصه‌های دولت سازندگی بود. بنابراین این گفتمان معتقد بود برای رفع نیازهای اقتصادی مردم، بازسازی مناطق آسیب دیده از جنگ تحمیلی و همچنین جلوگیری از آسیب رساندن به توسعه اقتصادی باید سلسله مراتب نیازهای جامع رعایت گردد و به این جهت قائل به حاشیه راندن مردم سالاری و حقوق مدنی در راستای دستیابی به فرآیند توسعه بود. بنابراین در این گفتمان برنامه‌های اجتماعی، فرهنگی و تربیتی به ویژه مقوله تربیت شهروندی از اولویت زیادی برخوردار نبودند. در دوران گفتمان اصلاحات بخشی از گفتمان انقلاب اسلامی که ناظر به آزادی و به ویژه حقوق مدنی و سیاسی بود فرصت ظهور و بروز یافت (Akhavan Kazemi, 2009: 214). به گونه‌ای که این گفتمان توانست با تأکید بر عناصری مانند: توسعه سیاسی، مشارکت، آزادی سیاسی و مدنی، حقوق شهروندی، اقلیت‌گرایی، کثرت-گرایی، ایجاد جامعه مدنی و مردم سالاری این مؤلفه‌ها و شاخص‌های تربیت شهروندی از حوزه گفتمانی خارج سازد و به وقفه‌هایی به خصوص در گفتمان خود و فضای سیاسی و اجتماعی کشور تبدیل کند و این عناصر فرصت پیدا کردند تا در نظام آموزش و پرورش کشور به شکل

چشمگیری مطرح شوند. می‌توان بیان نمود عناصر و مؤلفه‌های مرتبط با تربیت شهروندی در نظام آموزش و پرورش این دوره، گفتمان تربیت شهروندی را جایگاهی استعلایی بخشید. و آن را بطور قابل توجهی تحت تأثیر قرار داد به گونه‌ای که می‌توان از اهداف آشکار و پنهان تربیت شهروندی در نظام آموزش و پرورش گفتمان اصلاحات به این موارد اشاره نمود: اجرایی نمودن شعار توسعه سیاسی و انجام اصلاحات مختلف سیاسی، اجتماعی در ابعاد مختلف، توجه و پیروی از قانون اساسی یا گرایش به قانون در عوض توجه نمودن به برنامه‌ها و اقدامات ایدئولوژیک، توسعه مشارکت سیاسی شهروندان در چهارچوب فعالیت قانونی جناح‌ها و گروه‌های سیاسی، عدالت سیاسی را جایگزین عدالت اقتصادی کردن، دستیابی به شعار آزادی و آزادی‌خواهی، فراهم کردن زمینه‌های نزدیکی به غرب، تغییر فضای فرهنگی جامعه در قالب مواردی مانند نقد و نقدپذیری، حقوق زنان، حجاب زنان، مسئله ورزش زنان، بازکردن نسبی فضای مطبوعاتی و همچنین تقویت تشکله‌ها و نهادهای جامعه-مدنی.

نظام آموزش و پرورش این گفتمان با توجه به کاستی‌های گفتمان‌های پیشین پیرامون حقوق و تربیت شهروندی کارآمد به نظر می‌رسد ولی به دلیل تقلید نمودن از برنامه‌های توسعه‌ای جهان غرب بدون در نظر گرفتن شرایط بومی جامعه و توجه بیش از حد بر تربیت سیاسی که تنها یکی از ابعاد تربیت شهروندی می‌باشد نتوانسته به طور همه جانبه و با لحاظ نمودن تمامی نیازهای جامعه به این مقوله بپردازد.

فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی در نظام آموزش و پرورش گفتمان عدالت‌محوری با توجه به ماهیت این گفتمان به دنبال، پررنگ نمودن دوباره ارزش‌های اسلامی و انقلابی مطرح شده در اوایل انقلاب بود. Kasraei and Saedi (2016) معتقدند این گفتمان به دنبال تشکیل دولت اسلامی به منظور بازگشت به مبانی اولیه گفتمان انقلاب اسلامی بوده است. بنابراین می‌توان بیان نمود تولید متون و اسناد مرتبط با تربیت شهروندی در نظام

موازن اسلامی احصا و به شهروندان معرفی نماید (Government Information Database, 2016). بنابراین می‌توان گفت: اسناد و متون مرتبط با مقوله تربیت شهروندی در شرایط جامعه آن روز با هدف آگاه نمودن شهروندان از حقوق و وظایف شهروندی‌شان در جنبه‌های مختلف و نشان دادن عزم و اراده جدی دولت نسبت به رعایت حقوق شهروندی به شهروندان و جامعه بین‌المللی تدوین گردید. این گفتمان راه‌کار اجرایی برای تربیت شهروندی را آگاهی‌بخشی عمومی شهروندان از حقوق شهروندی خود دانسته، با این پیش‌فرض که نظام آموزش و پرورش زمینه این آگاهی‌بخشی را فراهم‌سازد. این آگاهی‌بخشی عمومی منجر به خواست عمومی و در نهایت عمل جمعی می‌شود. و همان‌گونه که در متن منشور حقوق شهروندی آمده آگاهی‌بخشی بایستی منجر به توسعه و ترویج گفتمان حقوق شهروندی و در نتیجه فراهم ساختن زمینه‌های تربیت شهروندی گردد. از محدودیت‌های برنامه‌های تربیت شهروندی در نظام آموزش و پرورش این گفتمان در نظر نگرفتن راهکارهای عملی و عینی برای تحقق تربیت شهروندی می‌باشد و همچنین علی‌رغم مطرح نمودن ابعاد و جنبه‌های مختلف حقوق شهروندی اما بکارگیری واژگان و عبارات محدودکننده و متناقضی که در اسناد و متون این دوره به کار رفته است اجرای تربیت شهروندی را تا حدودی محدود می‌سازد.

البته به این نکته مهم نیز باید توجه نمود در حدود دو سال پایانی این گفتمان مسائل آموزشی و به ویژه تربیتی از جمله مقوله تربیت شهروندی تحت تاثیر محدودیت‌های ایجاد شده که برای رعایت پروتکل‌های بهداشتی در جهت کاهش مخاطرات و همه‌گیری ویروس کرونا وضع شده بود قرار گرفت. به گونه‌ای که به دلیل تعطیلی مدارس مسائل تربیتی به ویژه مقوله تربیت شهروندی به حاشیه رانده شده بود. زیرا تربیت و تربیت شهروندی یک فرایند اجتماعی است که در بستر ارتباطات شکل می‌گیرد اما در شرایط کرونا همه توجه‌ها

تعلیم و تربیت رسمی این گفتمان به منظور احیا، تحقق و ترویج مبانی، آرمان‌ها و ارزش‌های اولیه انقلاب اسلامی به ویژه، مردم‌گرایی، عدالت‌گستری، مبارزه با فقر، تبعیض بود. برنامه‌ها و اقدامات مرتبط با تربیت شهروندی در این دوره محدود به فعالیت‌هایی در چهارچوب ارزش‌های مورد قبول گفتمان حاکم بود، با بررسی اسناد و متون مرتبط با تربیت شهروندی مشخص گردید میزان توجه به مؤلفه‌های متنوع تربیت شهروندی در نظام آموزش و پرورش گفتمان عدالت‌محوری یکسان نبوده و فقط جنبه‌ها و مؤلفه‌هایی خاص از تربیت شهروندی را مدنظر قرار داده‌اند و جنبه‌ها و مؤلفه‌های دیگر مغفول واقع شده‌اند. به نحوی که می‌توان گفت: نظام آموزش و پرورش گفتمان عدالت‌محوری براساس اسناد و متون تهیه شده در این دوران به ویژه «مبانی نظری سند تحول بنیادین» بیشتر در پی تربیت شهروندانی با خصلت و خوی اخلاقی، مذهبی و ارزش‌گراست که از جنبه‌های مختلف اشخاصی مفید، توانمند و دارای تأثیرگذاری مطلوب باشند. بنابراین کم توجهی به جنبه‌های متنوع تربیت شهروندی و همچنین بی‌توجهی به فرآیند جهانی شدن سبب گردید نظام آموزش و پرورش گفتمان عدالت‌محوری علی‌رغم اینکه به مؤلفه‌ها و شاخص‌های قابل توجهی از مقوله تربیت شهروندی پرداخته اما نتواند بطور کامل و جامع به همه ابعاد و مؤلفه‌های تربیت شهروندی بپردازد.

نظام آموزش و پرورش در گفتمان اعتدال، برای اجرایی نمودن فرآیند تربیت شهروندی به دنبال آگاه‌سازی شهروندان از حقوق شهروندی خود از جمله: حق داشتن آزادی، امنیت، مشارکت، رفاه و تأمین اجتماعی، حق داشتن زندگی سالم و با کیفیت، حق کرامت و برابری انسان‌ها، و حق آموزش و پژوهش بوده است. همانطور که در پایگاه اطلاع‌رسانی دولت آمده است دولت در سند منشور حقوق شهروندی به دنبال این است که با اتکا به قوانین و مقررات موجود وظایف و تکالیف عمده خود در باب حقوق ملت و حقوق شهروندی را در چهارچوب قانون اساسی و با رعایت

معطوف به آموزش دانش آموزان شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

بطور کلی می‌توان گفت: برنامه درسی در نظام آموزش و پرورش ایران در پنج گفتمان غالب حاکم بر کشور دارای دو دیدگاه اصلی به مقوله تربیت شهروندی بوده است. به گونه‌ای که در گفتمان‌های دفاع مقدس، سازندگی و عدالت‌محوری، تأکید بر وظایف و حقوق اجتماعی و اقتصادی شهروندان (مانند: خدمات رفاهی، تأمین اجتماعی، توسعه اقتصادی، رفاه اقتصادی، امنیت، رعایت حقوق و وظایف شهروندی و احترام به حقوق دیگران) مطرح بوده و در گفتمان‌های اصلاحات و اعتدال تربیت شهروندی با تأکید بر وظایف و حقوق سیاسی و مدنی شهروندان (مانند: آگاهی از قوانین و حقوق، حق آزادی، مشارکت، حق شرکت در انتخابات، اعتدال در امور، آگاهی از نحوه عملکرد نهادها و سازمان‌ها، انتخاب آزادانه، کیفیت زندگی، سلامت و اخلاق) مدنظر بوده است. هر کدام از این دو دیدگاه پایبندی به انجام این وظایف و نیز برخورداری از این حقوق را لازمه و پیش‌شرط توسعه تربیت شهروندی در جامعه می‌دانند. ویژگی‌های شهروند مطلوب مدنظر برنامه درسی در نظام آموزش و پرورش کشور در هر کدام از گفتمان‌های مورد بررسی متفاوت می‌باشد زیرا هر یک از گفتمان‌ها شاخص‌ها و مؤلفه‌های متفاوتی را برای شهروند مطلوب در نظر می‌گرفتند. اما بطور کلی می‌توان گفت: شهروند مطلوب بر مبنای اسناد و متون مورد بررسی در نظام آموزش و پرورش کشور، فردی است که دارای ویژگی‌هایی به این شرح باشد: بتواند با دیگران به راحتی ارتباط مؤثر و سازنده برقرار نماید، دارای روحیه نظم و قانون مداری باشد، دارای روحیه خدمت‌رسانی به مردم و بهزیستی اجتماعی باشد، در برابر خود و جامعه احساس مسئولیت بکند، به نهاد خانواده احترام بگذارد، آداب معاشرت و گفتگو را رعایت کند. شرایط تاریخی اجتماعی حاکم بر فضای جامعه در هر یک از گفتمان‌ها یکی از عواملی می‌باشد که موجب گرایش و جهت‌گیری متفاوتی در خصوص تربیت

شهروندی در نظام آموزش و پرورش گردیده است. بنابراین- این تربیت شهروندی بازنمود شده در اسناد و کتب درسی مدارس در نظام آموزش و پرورش دولت‌های مختلف به دلیل رویکردهای متفاوتی که دولت‌ها به مسائل شهروندی داشته‌اند تنها به مقوله‌ها و ابعاد خاصی از تربیت شهروندی که در راستای حفظ وضعیت موجود سیاسی و تقویت ساختارهای قدرت بوده توجه داشته و این امر موجب عدم توسعه شهروندی در جنبه‌های مختلف گردیده است. بطوری که می‌توان گفت: تربیت شهروندی در خدمت قدرتهای موجود (دولت‌های وقت) بوده است. در اثر تغییر دولت‌ها اولویت‌های تربیت شهروندی متناسب با جهت‌گیری‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دولت‌های مختلف در نظام آموزش و پرورش تغییر یافته است. بنابراین می‌توان گفت: نظام آموزش و پرورش ایران در طول دوره‌های تاریخی اجتماعی گوناگون نتوانسته به تمامی ابعاد تربیت شهروندی بطور متوازن توجه کافی داشته باشد. این یافته مورد تأیید پژوهش (Mojall Choobqlu (2008) می‌باشد، نتایج تحقیق او بیانگر آن است که برنامه‌ی درسی اجرا شده در بعد تربیت شهروندی در مقطع ابتدایی نظام آموزش و پرورش ایران نتوانسته مقوله‌های تربیت شهروندی را به صورت متعادل و متوازن در محتوای کتب درسی توزیع نماید به یک نسبت به مقوله‌های تربیت شهروندی نپرداخته‌اند.

(Ashpaz et. al. (2020) نیز نتایج مشابهی در این زمینه به دست آورده‌اند نتایج پژوهش آنان نیز تأیید می‌کند که شاخص‌های مرتبط به هر یک از ابعاد تربیت شهروندی بصورت نامتوازن در کتاب‌های درسی توزیع شده‌اند و حتی به برخی از شاخص‌ها و مؤلفه‌های تربیت شهروندی توجهی نشده است.

(Karimi and Rahmati (2022) در پژوهشی که انجام دادند بیان نمودند: توازن بین محتوای اختصاص داده شده به موضوع شهروندی و سایر مطالب در کتاب‌های درسی وجود ندارد و برخی از ابعاد آموزش شهروندی مغفول مانده است. بنابراین لازم است به تربیت

و پرورش، در جامعه بروز دهند. البته باید اشاره کرد این نتایج مختص نظام آموزشی کشور ما نیست، بلکه نتایج مطالعات در خارج از کشور نیز بیانگر این است که سطح درک شهروندان از مدنیت و شهروندی کمتر از حد انتظار است. به گونه ای که نتایج پژوهش (Prior (2006 همسو با نتایج پژوهش حاضر است.

تحلیل اسناد و متون مرتبط با گفتمان‌های تربیت شهروندی در نظام آموزش و پرورش ایران در دوره‌های تاریخی اجتماعی مختلف، یکسری محدودیت‌ها را که مانع پیشبرد تربیت شهروند مطلوب می‌باشد آشکار می‌نماید. با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان پیشنهادات و راهکارهایی را در جهت توسعه و گسترش تربیت شهروندی در نظام آموزش و پرورش کشور ارائه نمود:

الف) برنامه‌ریزان در طراحی و تدوین محتوای برنامه درسی مدارس باید در نظر داشته باشند که در تربیت شهروندی بر جنبه‌های گوناگون شهروندی بصورت متوازن توجه داشته باشند و اهداف ترسیم‌شده برای تربیت شهروندی از جامعیت لازم برخوردار باشد. به گونه‌ای که نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور در هر دوره‌ای تمام ابعاد و مؤلفه‌های تربیت شهروندی را در نظر بگیرد.

ب) از آنجایی که نظام تعلیم و تربیت رسمی در گفتمان‌های مختلف حاکم بر ایران در مقاطع مختلف زمانی، انطباق کامل و یا دست کم حداکثری در تحقق تربیت شهروندی و نیز سیاست‌ها و برنامه‌های مرتبط با آن نداشته‌اند. و از طرفی با توجه به اینکه در دهه‌های اخیر در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اخلاقی تربیت شهروندی تاثیرگذار بوده است. لازم به نظر می‌رسد که سایر دستگاه‌های دولتی و غیر دولتی با توجه به امکانات و توانایی‌های خود در این خصوص سرمایه‌گذاری‌های خاصی بنمایند.

ج) از آنجا که در تدوین اسناد و متون مرتبط با تربیت شهروندی و همچنین محتوای کتب درسی مدارس در آموزش و پرورش گفتمان‌های مورد تحلیل نقش

دانش آموزان در تمام ابعاد تربیت شهروندی توجه کافی نمود، اهداف و محتوای کتب درسی را با توجه به تمام ابعاد تربیت شهروندی تهیه و تدوین کرده و آنها را به مرحله عمل رساند تا هرچه زودتر بتوان بر این ضعف بزرگ و اساسی در نظام آموزشی غلبه یافت. بدیهی است که بازنمایی درست تربیت شهروندی به ریشه گرفتن شهروندی در جامعه ایران کمک شایانی خواهد کرد و موجب بسط پایه‌های نظام حکومتی مردم سالار در کشور خواهد شد. همچنین اسناد و کتب مورد بررسی در نظام آموزش و پرورش کشور در گفتمان‌های مختلف نشانگر توجه بیش از حد طراحان و مؤلفان آنها بر افزایش اطلاعات شهروندی دانش‌آموزان می‌باشد این امر موجب انباشته شدن اطلاعات و عدم پردازش آنها توسط دانش آموزان شده است. باید به این نکته توجه نمود که وظایف و حقوق شهروندی باید در خلال فرایند جامعه پذیری برای دانش آموز نهادینه شود. به گونه‌ای که دانش آموز در همه حال با آن آموزه درگیر باشد و به عنوان اولویت زندگی اجتماعی آن را بپذیرد و به آن آموزه پایبند باشد. نباید انتظار داشت که تنها آشنا نمودن دانش آموزان با قوانین و مقررات مختلف و همچنین وظایف سازمان‌ها و نهادها این هدف را محقق نماید. این یافته با نتایج Cho (2018) همسو می‌باشد. او نیز معتقد است باید با ایجاد فرصت‌های مناسب دانش آموزان را درگیر فرآیند آموزش شهروندی نمود.

با بررسی فرآیند تربیت شهروندی در نظام آموزش و پرورش رسمی کشورمان در گفتمان‌های مختلف می‌توان گفت: برنامه‌های تربیت شهروندی از جهات مختلفی ناکارآمد هستند. و پاسخگوی مطالبات نسل جوان در عصر جهانی شدن و قرن بیست و یکم نیستند. نظام آموزشی کشور ما فاقد برنامه‌ای منظم و منطقی برای شکل‌گیری فرآیند تربیت شهروندی مبتنی بر نیازها و مطالبات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه در گذشته و حال بوده است. به گونه‌ای که نوجوانان و جوانان در عمل نتوانسته‌اند رفتارهای شهروندی متناسب با برنامه‌های تربیت شهروندی ارائه شده در نظام آموزش

شهروندان تا حدودی مورد کم توجهی واقع گردیده است به مسئولین پیشنهاد می‌گردد در سیاست‌گذاری‌ها و نحوه اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌های مرتبط با تربیت شهروندی به نیازسنجی شهروندان پرداخته شود. و متناسب با نیازهای پایدار و همه‌جانبه شهروندی و همچنین در راستای «خودشکوفایی، ابتکارها و خلاقیت‌های» شهروندان، برنامه‌های تربیت شهروندی به صورت رویکردهای «بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه مدت» اجرا گردد.

جامعه‌پذیری و پذیرش وظایف و حقوق خود و دیگران موجب ایجاد ارتباط سالم و صحیح در سطح جامعه و همچنین سازگاری در بین شهروندان می‌شود؛ و بطور کلی رشد و اعتلای اجتماعی را در پی دارد. یکی از مهم‌ترین عواملی که می‌تواند در اجتماعی کردن دانش آموزان مؤثر واقع شود، تحقق صحیح فرآیند تربیت شهروندی در نظام آموزش و پرورش کشور می‌باشد. هدف‌ها و جایگاه تربیت شهروندی در نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور متأثر از ارزش‌های مورد قبول گروه حاکم و نظام سیاسی- اجتماعی موجود می‌باشد. با توجه به سیر تحولات جامعه در جهت دستیابی به جامعه مدنی و فضای باز اجتماعی ضرورت ارتقاء جایگاه تربیت شهروندی در نظام آموزش و پرورش کشور بیش از پیش آشکار می‌گردد. مقوله‌ای که در حال حاضر کم اهمیت انگاشته شده است، و با توجه به اینکه رویکردی نتیجه‌محور و محافظه‌کارانه بر نهادهای اجتماعی مختلف از جمله آموزش و پرورش حاکم بوده است، نقش تربیت شهروندی در توسعه اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور تا حدودی مورد غفلت واقع گردیده است. برنامه‌های درسی و فعالیت‌های تربیتی مدارس که مرتبط با مقوله تربیت شهروندی و به دنبال دستیابی به شهروند مطلوب هستند با بسیاری از نیازهای فراگیران به ویژه نیازهای سیاسی- اجتماعی و فرهنگی تناسبی نداشته، و بیشتر به دنبال این بوده‌اند که شرایط موجود سیاسی- اجتماعی حاکم بر جامعه را حفظ نمایند. و در پی تقویت ساختارهای قدرت موجود

بوده‌اند. نظام آموزش و پرورش در هر گفتمان تنها بطور مقطعی به مقوله‌های خاصی از تربیت شهروندی متناسب با اولویت‌های سیاسی- اجتماعی آن گفتمان توجه نموده‌اند. و علاقه‌ای به استفاده از عناصر سایر گفتمان‌ها ندارند، و از الگوی تک‌گفتمانی تبعیت می‌کنند. به‌گونه‌ای که می‌توان گفت: نظام آموزشی از برنامه‌های تربیت شهروندی به عنوان ابزاری در جهت تکمیل نمودن برنامه‌ها و مواضع گفتمان حاکم و به محاق بردن سیاست‌ها و اقدامات گفتمان‌های رقیب استفاده می‌کند. این نگرش به فعالیت‌های اجتماعی و بالاخص مقوله تربیت شهروندی باعث شده که نهاد آموزش و پرورش به برخی از مؤلفه‌های تربیت شهروندی بیشتر از حد توقع و به برخی دیگر کمتر از حد انتظار توجه نماید. تحلیل متون مورد بررسی مؤید وجوه اشتراک و افتراق نگاه نظام آموزش و پرورش در گفتمان‌های غالب کشور به مقوله تربیت شهروندی است. برنامه درسی در نظام آموزش و پرورش در گفتمان‌های مختلف دارای اولویت‌های متفاوتی در زمینه تربیت شهروندی می‌باشند. که بیانگر جایگاه و اهمیت تربیت شهروندی در نظام تعلیم و تربیت رسمی آن گفتمان می‌باشد. بطور کلی می‌توان گفت: گفتمان مسلط تربیت شهروندی در نظام آموزش و پرورش هر پنج گفتمان مورد بررسی، گفتمان تربیت شهروند ملی، اخلاقی و قانونمند با هدف تقویت انسجام ملی، پایبندی شهروندان به اخلاق و احکام اسلامی و التزام عملی شهروندان به قوانین وضع شده در کشور می‌باشد.

منابع

- Aghajari, H. (2002). *Religious government and democratic government*. Zikr Publishing and Research Institute Press.
- Aghazadeh, A. (2006). Principles and rules governing citizenship education and examining the evolution and characteristics of such education in Japan. *Journal of Educational Innovations*, 5 (17), 45-66.
- Akhavan Kazemi, B. (2009). The discourse of

- University, 14(2), 181-206.
- Fathi Vajargah, K. (2017). *Principles and Basic Concepts of curriculum planning*, Tehran: Alam Ostadan Press.
- Fawzi, Y. (2011). The direction of socio-political developments after the revolution in Iran. *Journal of Politics*, 41 (2), 253-267.
- Frankfort, Ch., & Nachmias, D. (2002). *Research Methods in Social Sciences*. Translated by Saroukhani, Bagher. Larijani, Fazel. Fazeli, Reza. Soroush Press.
- Ghasempour khoshroudi. E., & Saffar heydari, H. (2016). Study of the status and barriers of attention to the components of Islamic education in the university. *Quarterly Journal of Culture at Islamic University*, 5 (2), 273-293.
- Ghebru, B., & Lloyd, M. (2020). From civic to citizenship education: Toward a stronger citizenship orientation in the Ethiopian CEE curriculum. *International Journal of Educational Development*, 72 (C), 101-122.
- Government Information Database. (2016. March 21). Charter of Citizenship Rights. <https://dotic.ir/news/4968>.
- Hahn, C. L. (2015). Teachers' perceptions of education for democratic citizenship in schools with transnational youth: A comparative study in the UK and Denmark. *Research in Comparative and International Education*, No. 10, 95-119. at: <http://dx.doi.org/10.1177/1745>.
- Heydari, M. H., Nosrati hashi, K. & Narimani, M. (2013). Principles of Education Based on the Basis of Value Education of Citizenship from the perspective of Islam. *Quarterly Journal of Cultural Engineering*, 8 (76), 24-49.
- Homana. G., Barber.c., & Torney-Purta. J. (2006). Assessing School Citizenship Education Climate: Implications for the Social Studies. University of Maryland. Circle Working Paper 48.
- Hosseinzadeh, M. A. (2009). *Discourses governing the governments of the Islamic justice in the ninth government. Political cognition*, 1 (2), 195-243.
- Aridhi, H.R. (2003). Content analysis of elementary school textbooks in terms of motivation structure. *Quarterly Journal of Educational Innovations*, 2 (5), 30-50
- Ashpaz, F., Mahrzadeh, T., Banahan Qomi, M., & Samadi, P. (2020). Analytical study of the level of attention to the aesthetic dimensions of citizenship education in the textbooks of the first elementary school. *Research in Curriculum Planning*, 2 (39), 133-147.
- Behroosh, A. (2009). Education and the mission of citizenship education. *Institute for Educational Studies*, No. 10409.
- Cho, H. (2018). Crafting a third space: Integrative strategies for implementing critical citizenship education in a standardsbased classroom. *Journal of Social Studies Research*, 42 (3), 273-285.
- Dehghani Firoozabadi, S. J. (2014). The discourse of moderation in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran. *Foreign Policy Quarterly*, 28 (1), 1-39.
- Ekvani, S. H., & Norouzi Nejad, J. (2014). Discourse Analysis of the Eleventh Presidential Election of Iran. *Journal of the Islamic Revolution Approach*, 2 (27): 3-20.
- Euridyce. (2005). *Citizenship education at school in Europe*. Survey. Brussels: European Commissio.
- Fairclough, N. (2000). *Critical Discourse Analysis*. Collective translation by translators. Center for Media Studies and Research Press. (Original year of published work 2005).
- Farhadi Elham | Kasraie Mohammadsalar | Tavasoli Roknabadi Majid. (2023). Citizenship education in the Fundamental Transformation of Education document of the Islamic Republic of Iran, *Journal Political Sociology of the Islamic Revolution*, 4(2), 211-231.
- Fathi Vajargah, K. (2002). Citizenship Education Curriculum. *Research Journal of Isfahan*

- Mojall Choobqlu, M. A. (2008). Analysis of the curriculum implemented in the primary school of the Islamic Republic of Iran in terms of citizenship education. *Educational Research Journal*, 5 (17), 67-99.
- Mottaqi, M. (2016). Governments Discourse, Part II. Information newspaper, 6 July. [In Persian]
- Prior, W. (2006). *Civics and Citizenship Education*, Published by Education Services Australia. at: <http://www.Curriculum.Edu.au/cce>
- Seif Naraghi, M., Naderi, E., Shariatmadari, A., & Hosseini Far. A. (2009). "A Comparative Study of the Views of Teachers and Experts in Qazvin City Regarding the Deficiencies of Citizenship Education and Training in the Curriculum of the Secondary Educational Guidance Course." *Journal of New Approaches in Educational Management* 2 (5), 29-56
- Sharafi, M.R., & Taherpour, M, S. (2008). The Role of Educational Institutions in Citizenship Education. *Journal of Cultural Engineering*, 2(16&17), 49-64.
- Turner, D., & Baker, P. (2000). *Developing citizenship in secondary education: A whole school resource*. London and New York: Routledge.
- Yemini, M. (2014). Internationalisation discourse. What remains to be said? *Perspectives: Policy and Practice in Higher Education*, 18 (2), 66-71.
- Republic of Iran*. Proceedings of the first scientific conference on the record of the Islamic Republic of Iran, Volume I (pp. 133-156). University of Tehran Press.
- Jamali Tazekand, M., Talebzadeh Nobarian, M., & Abolghasemi. M. (2013). Analysis of the Place of Citizenship Education Components in the Content of the Secondary Social Sciences Curriculum. *Journal of Research in Curriculum Planning*, 20(10), 1-19.
- Karimi, A., & Rahmati, R. (2022). Meta-analysis of citizenship training studies in Iranian education. *Journal of Research in Social Studies Education*, 2 (12), 129-159
- Kasraei, M. S., & Saeedi, B. (2016). Analysis of the discourse of justice in the third decade of the revolution with emphasis on the years 2001-2005. *Historical Sociology*, 8 (2), 129-169.
- Kong, L. (2020). The spatial subversions of global citizenship education: Negotiating imagined inclusions and everyday exclusions in international schools in China. *Geoforum*, 112, 147-139.
- Li, H., & Jong, M.D. (2017). Citizen participation in China's eco-city development. Will 'new-type urbanization' generate a breakthrough in realizing it? *Journal of Cleaner Production*, 162, 1085-1094.
- Mehdizadeh, S. M. (2002). Reflection of the speeches of three presidential candidates (Khatami, Tavakoli, Jasbi) in Nowruz, Resalat and Afarinesh newspapers. *Journal of Cultural Research*, 7 (3), 187-240.